

جایگاه مؤلفه‌های حقوق تربیتی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

بهبود یاری‌قلى*

معصومه عباسی چوبتراش**

سحر عباسی***

چکیده

هدف تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق تربیتی بود. پژوهش حاضر از نوع تحلیل محتوا بوده و پس از استخراج مؤلفه‌های حقوق تربیتی از مبانی نظری، به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و متناسب باهدف پژوهش، کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی و فارسی دوره ابتدایی انتخاب و بررسی شدند. ضریب اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها با روش آنروپی شانون به دست آمدند. در پژوهش حاضر ملاک جایگاه مؤلفه‌های حقوق تربیتی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بود و تحقیق تناقضی با نظرات نویسندگان و مبانی اسلامی حاکم بر کشور نداشت. نتایج نشان داد بیشترین ضریب اهمیت در کتاب‌های مطالعات اجتماعی مربوط به مؤلفه حق دسترسی به آموزش و پرورش به مقدار ۰/۶۰۵ و کمترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حق احترام در محیط یادگیری به مقدار ۰/۳۵۳ بود و همچنین بیشترین ضریب اهمیت در کتاب‌های فارسی (بخوانیم) مربوط به مؤلفه حق دسترسی به آموزش و پرورش با ضریب ۰/۷۱۲ و کمترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حق احترام در محیط یادگیری با ضریب ۰/۵۳۳ بود. با توجه به نتایج، در کتاب‌های مطالعات اجتماعی و فارسی به اصل مداومت، در تنظیم محتوای این کتاب‌ها به حقوق تربیتی کودک توجه لازم و کافی نشده است.

واژه‌های کلیدی: حقوق تربیتی، مطالعات اجتماعی، فارسی، آزمون شانون، دوره

ابتدایی

* دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول)

behboud.yarigholi@yahoo.com

mahsa.abbasii17@gmail.com

abasi.m2014@gmail.com

** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد تبریز

*** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد تبریز

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲۵

فصلنامه راهبرد فرهنگی- اجتماعی، سال هشتم، شماره سی، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۹۹-۳۲۳

مقدمه

اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۲۴ در ژنو مطرح شد و ایده حقوق کودک بر اساس اعلامیه حقوق کودک، در سال ۱۹۸۹ تدوین و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و طی پیمان نامه ۵۴ ماده‌ای به نام حقوق کودک^۱ و با عضویت بیش از ۱۸۰ کشور به تصویب رسیده و در سال ۱۹۹۵ مورد اصلاح و بازبینی مجدد قرار گرفت. این پیمان نامه به منظور حمایت و محافظت از حقوق کودکان در برابر تمامی اشکال خشونت، استثمار، سوءاستفاده و بهره‌برداری غیرقانونی بوده و بر حق تأمین بهداشت، دسترسی آزاد به اطلاعات، آموزش و پرورش رایگان و حق مشارکت کودکان تأکید اساسی دارد و حقوق کودک حمایت قانونی و رسمی از همه کودکان در زمینه‌های توسعه ذهنی، جسمی، احساسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی را در تمام دنیا بر عهده دارد (موسا-میتا^۲، ۲۰۰۵).

حقوق کودکان شامل همه مفاهیم جسمی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و حتی سیاسی برای آن‌ها است (مری^۳، ۲۰۱۲) که باید بدون توجه به دین، زبان، نژاد، رنگ، ملیت مورد توجه قرار گیرد (زینالی، ۱۳۸۹). یکی از راه‌های بیان حقوق کودکان به آن‌ها، کمک گرفتن از سیستم آموزش و پرورش است (دبیری، ۱۳۸۹). اولویت اصلی آموزش؛ حمایت از فرد و هماهنگی با جامعه و پذیرش ارزش‌های آن است (مری، ۲۰۱۲).

مهم‌ترین رکن حقوق کودک، حقوق تربیتی است که بر عهده

1. Convention on the Rights of the Child (CRC)

2. Moosa-Mita

3. Mery

آموزش و پرورش است (امیری، فائدی، ضرغامی و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵). در واقع کودک و آموزش و پرورش دو واژه مکمل و وابسته به هم بوده و ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند (آذربایجانی، ۱۳۸۹). اگر به هر طریقی کودکان از آموزش و پرورش محروم شوند یا تعلیم و تربیت مناسب به آن‌ها ارائه نشود، رشد مناسبی نخواهند داشت و شاید نتوانند به زندگی خود ادامه دهند (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹). تمام انسان‌ها نیاز به حق «آموزش و پرورش» دارند و اگر کودکان در مسیر رشد خود، آموزش مناسب کسب نمایند، زندگی آن‌ها به خوبی ادامه پیدا خواهد کرد (امیری و همکاران، ۱۳۹۵).

مهم‌ترین رسالت آموزش و پرورش در کشورها آماده کردن دانش‌آموزان برای پذیرفتن نقش‌های گوناگون اجتماعی و مشارکت فعال در جامعه است (پورقهرمانی، ۱۳۸۳). بنابراین، آگاه‌بودن دانش‌آموزان به حقوق کودک به ساخت جامعه‌ای سالم‌تر کمک به سزایی می‌کند (زینالی، ۱۳۸۹). برنامه درسی، به منزله قلب نظام آموزشی، یکی از اصلی‌ترین بسترهای شکل‌دهنده نظام رفتاری کودکان است (دبیری، ۱۳۸۹)؛ زیرا ادراک کودکان از حقوقشان در زمینه‌های گوناگون را رشد می‌دهد، به مسئول‌بودن در قبال حقوق خود و دیگران کمک می‌کند و زمینه‌های لازم برای دسترسی به فرصت‌های گوناگون و انتخاب بیشتر را فراهم می‌آورد (هاگلوند و تلاندر^۱، ۲۰۱۰). با توجه به این مهم، ورود مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک به کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی، از شیوه‌های مهم اشاعه حقوق تربیتی کودک است؛ زیرا کودکان نخستین تجربه شکل‌گیری شخصیتی را در دوران ابتدایی کسب می‌کنند و همچنین غالب فعالیت‌های آموزشی و پرورشی کشور، در چارچوب کتاب‌های درسی صورت می‌گیرد، لذا کتاب‌های درسی از کارآمدترین ابزار در انتقال مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک به دانش‌آموزان می‌باشند (ملکی، ۱۳۸۴).

پاور و آلیسون^۲ بر این باورند که کتاب‌های درسی، به ویژه محتوای کتاب‌های

1. Hägglund and Thelander

2. Power and Allison

تعلیمات اجتماعی باید در این زمینه نقش مهمی داشته باشند. کتاب‌های تعلیمات اجتماعی باید بازتاب‌کننده مسائل اجتماعی و فردی باشند تا دانش‌آموزان در فرایند نهادینه‌شدن شخصیتشان از وظایف و حقوق خود آگاهی یابند (به نقل از مری، ۲۰۱۲). مفاهیم کتاب فارسی به دلیل عامل اصلی یادگیری زبان ملی کشور و اشارات فراوان به مؤلفه‌های حقوق کودکان در قانون اساسی کشور باعث می‌شود که حقوق کودکان مستقیماً در ذهنشان رسوخ یابد (یاری‌قلی، حسینی و صیادی، ۱۳۹۶). بنابراین، هدف اصلی پژوهش بررسی میزان ترویج و افزایش آگاهی دانش‌آموزان به مؤلفه‌های حقوق کودک از طریق محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و کتاب فارسی دوره آموزش ابتدایی بود.

چارچوب نظری پژوهش

ابعاد حقوق تربیتی کودک

گسترش رویکردی حقوق بشر مبتنی بر آموزش و پرورش، نیازمند چارچوبی است که سه دسته حقوق را دربر می‌گیرد، این سه دسته عبارتند از:

- حق دسترسی به آموزش؛
- حق برخورداری از آموزش و پرورش باکیفیت؛
- احترام به حقوق انسانی در آموزش و پرورش.

این ابعاد به هم وابسته‌اند و آموزش و پرورش مبتنی بر حقوق بشر باید برای تحقق هر سه مورد عمل کند (بیانیه یونیسف: قانون آموزش و پرورش برای همه، ۲۰۱۲-۲۰۱۶).

لازمه حق برخورداری از آموزش و پرورش، کسب اطمینان از تمام اقدامات لازم برای دستیابی کودکان به تعلیم و تربیت در سراسر جهان، از جمله کودکانی که به حاشیه رانده شده است (قائدی، چهار باشلو و خوشنویسان، ۱۳۹۳).

مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که تعداد زیادی از دانش‌آموزان در کشورهای مختلف از ثروتمند تا فقیر، در به دست آوردن مهارت‌های اولیه برای توانمندبودن

در دنیای امروز موفق نبوده‌اند، لذا باید تمرکز بر ارتباط میان دوره آموزشی، نقش معلمان و طبیعت و اخلاق در محیط یادگیری بیشتر شود (زینالی، ۱۳۸۹). رویکرد مبتنی بر حقوق، مستلزم به رسمیت شناخته شدن حقوق کودک بوده و باید به حقوق انسانی کودکان در مدرسه، احترام کافی گذاشته شود تا توانمندی دانش‌آموزان رشد بیشتری داشته تا آموزش و پرورش توانمند، مشارکت‌جویانه، شفاف و پاسخگو توسعه یابد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۱).

آموزش و پرورش باکیفیت را نمی‌توان بدون توجه به حقوق کودکان در سلامت و رفاه به دست آورد. در زیر، مجموعه‌ای از عناصر مرکزی که برای هر یک از ابعاد سه‌گانه ذکر شده در بالا مورد نیاز است، مطرح شده است:

۱. حق دسترسی به آموزش و پرورش؛

۲. حق بهترین کیفیت آموزش و پرورش؛

۳. حق احترام در محیط یادگیری.

حق دسترسی به آموزش و پرورش

حق دسترسی به آموزش و پرورش از سه عنصر تشکیل شده است:

● الف) ارائه آموزش و پرورش در طول تمام مراحل از دوران کودکی و فراتر از آن؛

● ب) در دسترس بودن و امکان پذیر بودن آموزش و پرورش، ارائه کافی، مناسب و در دسترس آن؛

● ج) مکانه‌ای مناسب برای مدرسه یا تساوی در فرصت‌های فراگیری (ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱، مواد ۲، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۸ و ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک^۲، ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳؛ ماده ۱۰ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^۴؛ ماده ۴ و ۵ کنوانسیون یونسکو در

1. Universal Declaration of Human Rights

2. Convention on the Rights of the Child

3. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

4. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women

برابر تبعیض در آموزش و پرورش؛ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق افراد مبتلابه معلولیت^(۲) (امیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ Batur Musaoglu, E. & Haktanir, 2012; (Merey, 2012).

الف) آموزش و پرورش در طول تمام مراحل از دوران کودکی و فراتر از آن

یادگیری یک فرایند مادام‌العمر است و پیمان‌نامه حقوق بشر با کمک آموزش و پرورش به دنبال ایجاد فرصت‌هایی برای کودکان است تا بتوانند به ظرفیت‌های مطلوب خود در سراسر طول عمر دست یابند و این نیازمند رویکردی است که تمام چرخه زندگی را شامل شود و حوزه یادگیری مهم تلقی شده و اطمینان حاصل شود که در هر مرحله از زندگی کودک یادگیری صورت گرفته است (آلبرتسون فیمن و ورتینگتون^۳، ۲۰۰۹).

توجه و الزام کمتری که از سوی کنوانسیون حقوق کودک نسبت به رایگان بودن و همه‌گیر بودن آموزش مبذول شده، به دلیل آن است که بسیاری از کشورها در سراسر دنیا امکانات لازم و کافی برای ارائه آموزش رایگان و باکیفیت بالا را ندارند (هادکین و نیول^۴، ۲۰۰۲). علاوه بر این، دولت‌ها موظفند پایگاه‌هایی قوی برای یادگیری مادام‌العمر با احساس استقلال مسئولانه را برای افراد فراهم کنند (امیری و همکاران، ۱۳۹۵).

ب) در دسترس بودن آموزش و پرورش

کشورها باید متعهد شوند که یک چارچوب قانونی و سیاسی را همراه با تأمین منابع کافی، برای اجرایی کردن حق آموزش برای همه کودکان تعریف کنند (کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۵، ۱۹۹۹). تمام محیط‌های یادگیری باید هم از نظر موقعیت و هم از نظر اقتصادی برای همه کودکان در دسترس باشند، به‌ویژه

-
1. UNESCO Convention against Discrimination in Education
 2. Convention on the Rights of Persons with Disabilities
 3. Albertson Feinman & Worthington
 4. Hodgkin & Newell
 5. Committee on Economic, Social and cultural Rights

برای کودکانی که به حاشیه رانده شده‌اند (کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۹۹).

ج) برابری فرصت‌ها

در دسترس بودن مدارس نخستین و مهم‌ترین گام برای دستیابی به حق برابر جهت حضور در مدرسه است. برابری فرصت‌ها زمانی به دست می‌آید که موانع آن در جامعه و مدرسه برداشته شود. مکان مدارس، عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله جنسیت، ازکارافتادگی، ایدز، فقر خانواده، قومیت، وضعیت اقلیت، در قید حیات بودن و نبودن والدین کودک^۱ و کودک کار بودن، اغلب از جمله عواملی هستند که در دور نگه داشتن کودکان از مدارس مؤثر هستند. دولت‌ها الزامات و تعهداتی دارند که بر اساس آن‌ها موظفند قوانین، سیاست‌ها و خدمات پشتیبانی را در جهت حذف موانعی که در خانواده و جامعه مانع دسترسی کودکان به مدرسه می‌شوند، گسترش دهند (امیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ Batur & Haktanir, 2012; Merey, 2012).

حق داشتن آموزش باکیفیت

حق داشتن آموزش باکیفیت شامل موارد زیر می‌شود:

- الف) برنامه درسی وسیع، مرتبط و فراگیر؛
- ب) یادگیری و ارزشیابی مبتنی بر حقوق کودک؛
- ج) محیط کودک دوست، امن و سالم (ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۳، ۵، ۶، ۱۲، ۱۷، ۲۹ و ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت، ۲۰۰۷).

چارچوب داکار، کشورها را به ارائه آموزش و پرورش اولیه باکیفیت خوب و بهبود تمام جنبه‌های آموزشی متعهد می‌سازد^۲. هیچ تعریف واحدی از «کیفیت»

1. orphanhood

2. United nations educational scientific and cultural organization, 2004

وجود ندارد، اما تلاش‌های صورت گرفته، دو دیدگاه اساسی را نشان می‌دهند:

- نخست، اینکه رشد شناختی هدف اولیه و اصلی برای تعلیم و تربیت است و اثربخشی و موفقیت آموزش در دستیابی به این هدف است.
- دوم، اینکه آموزش و پرورش باید پیشرفت و بهبود وضعیت دانش‌آموزان در حوزه‌های عاطفی و خلاقیت را ایجاد و عاملی برای حمایت از اهداف صلح‌طلبانه، تربیت شهروندی و بالابردن امنیت اجتماعی، توسعه برابری و انتقال ارزش‌های فرهنگی محلی و جهانی به نسل‌های آینده باشد.

این دیدگاه‌ها به‌عنوان اهداف آموزش و پرورش در کنوانسیون حقوق کودک مطرح شدند. این کنوانسیون چارچوبی از تعهدات و الزامات برای بالابردن رشد مطلوب کودکان را برای نظام‌های آموزشی ارائه کرده است. ماده ۲۹ کنوانسیون بیان می‌کند که آموزش باید کودک محور بوده و در راستای ارتباط دوستانه با کودکان و توانمندسازی آن‌ها باشد و فرایندهای آموزشی باید بر اساس اصول اصلی آموزشی تصریح شوند (پیمان‌نامه حقوق کودک، ۱۹۸۹).

ارائه آموزش دارای کیفیت، نیازمند توجه به محتوای برنامه درسی، ماهیت تدریس و کیفیت محیط یادگیری است که برای رسیدن به این هدف، نیاز به ایجاد محیط یادگیری انعطاف‌پذیر، مؤثر و محترمانه که پاسخگوی نیازهای همه کودکان باشد از الزامات نظام‌های آموزشی است (امیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ Batur Musaoglu, E., 2012; Merrey, 2012; Haktanir, &).

الف) برنامه درسی وسیع، مرتبط و فراگیر

برنامه‌های درسی باید کودکان را قادر سازند که برنامه‌های اصلی درسی و مهارت‌های شناختی پایه را درک کنند. همراه با این توانایی‌ها، کودکان باید مهارت‌های ضروری زندگی جهت روبه‌رو شدن با چالش‌های زندگی را فراگیرند. داشتن روابط اجتماعی خوب، تفکر انتقادی و بالابردن ظرفیت‌های رفتاری غیرخسونت‌آمیز نیز از جمله توانایی‌هایی است که باید محیط‌های یادگیری دانش‌آموزان را به سوی آن سوق دهند. برنامه‌های درسی باید احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، توسعه و ترویج احترام به فرهنگ‌ها و ارزش‌های مختلف را

در شرایط و محیط‌های طبیعی زندگی افزایش دهد (امیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ Batur Musaoglu, E. & Haktanir, 2012; Merey, 2012).

ب) یادگیری و ارزشیابی مبتنی بر حقوق کودک

روش آموزش از خود آموزش مهم‌تر است. الگوهای سنتی تحصیل با رویکرد مبتنی بر حقوق بشر برای یادگیری سازگار نیستند. باید برای کودکان و افراد جوان احترام قائل شد و به آن‌ها به‌گونه‌ای نگاه کرد که در زمینه یادگیری خود فعال هستند و به همکاری می‌پردازند. باید توجه داشت که ظرفیت‌های کودکان هم در یادگیری، هم در مشارکت و در فراگیری مهارت‌ها با هم متفاوت است. آموزش و یادگیری باید شامل انواع روش‌های تعاملی باشد تا بتواند محیط محرک یادگیری و مشارکتی را فراهم کند. محیط‌های آموزشی باید کودک دوستانه باشند و منجر به توسعه مطلوب ظرفیت‌های کودکان شوند (امیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ Batur Musaoglu, E. & Haktanir, 2012; Merey, 2012).

ج) محیط کودک دوست، امن و سالم

استقبال گرم محیط‌های آموزشی از کودکان، باعث در اولویت قرار دادن بهترین علائق کودکان جهت اطمینان از رشد مطلوب آن‌ها می‌شود. مدارس باید با توجه به نیازهای متفاوت کودکان، اقدامات لازم را برای کمک به حفظ سلامت کودکان و رفاه آن‌ها انجام دهند. اقداماتی که می‌توان در این راستا برشمرد عبارتند از: توجه به محل مدارس، مسیر رفت و برگشت کودک به مدرسه، عوامل ایجادکننده بیماری یا حادثه در کلاس درس یا زمین بازی و امکانات و تسهیلات ویژه برای دختران که باید امکانات، خدمات و سیاست‌ها برای ارتقای سلامت و ایمنی کودکان و همچنین مشارکت فعال آن‌ها در جامعه محلی ایجاد و فعال شوند (امیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ Batur Musaoglu, E. & Haktanir, 2012; Merey, 2012).

حق احترام در محیط یادگیری

حقوق بشر را می‌توان حقوق ذاتی هر انسانی دانست. حق تعلیم و تربیت باید به‌عنوان ترکیبی از احترام به هویت کودکان، حق آن‌ها در بیان دیدگاه‌های خود در

تمام امور مربوط به خودشان و تمامیت فیزیکی و موارد شخصی شان مورد توجه قرار گیرد. این حقوق عبارتند از:

- الف) احترام به هویت؛
- ب) احترام به حقوق مشارکت؛
- ج) احترام به تمامیت (مواد ۲، ۳، ۵، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک، مواد ۱ و ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱۸، ۱۹ و ۲۷ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی حقوق).

الف) احترام به هویت

کنوانسیون یونسکو (۱۹۶۰) علیه تبعیض در آموزش و پرورش، احترام به حقوق تربیتی اقلیت‌های قومی را بیان می‌کند. با توجه به سیاست‌های آموزشی هر کشور، حق به‌کارگیری زبان هر قومیت در آموزش کودکان به رسمیت شناخته می‌شود، به شرطی که این گروه‌های اقلیت از درک زبان اصلی و رسمی کشور محروم نشوند.

در این زمینه باید برنامه‌های آموزشی به‌گونه‌ای طراحی شوند که مسئله احترام به تنوعات فرهنگی نهادینه شود. ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک بر حق کودکان برای لذت بردن از فرهنگ خود، رفتار طبق اصول مذهب خود و استفاده از زبان خود صحنه می‌گذارد (امیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ Batur Musaoglu, E. & Haktanir, 2012; Meray, 2012).

ب) احترام به حقوق مشارکت

ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌کند که کودکان این حق را دارند که به بیان دیدگاه‌های خود در تمام مسائل مربوط به خودشان بپردازند. این اصل با دیگر حقوق کودک که به آزادی بیان، مذهب و ارتباطات مربوط است، همراه می‌باشد. این حقوق در همه جنبه‌های آموزش و پرورش کودک اعمال می‌شود و به صورتی عمیق و ضمنی در سراسر نظام آموزش و پرورش لازم‌الاجرا است. کنوانسیون حقوق کودک، اغلب توصیه می‌کند که دولت‌ها تلاش بیشتری داشته باشند که

کودکان را هرچه بیشتر در امور مدرسه دخالت دهند (Hodgkin and Newell, 2012). مدارس نیز می‌توانند نقش مهمی در دفاع از تحقق حقوق کودکان بازی کنند (امیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ Merey, Batur Musaoglu, E. & Haktanir, 2012; Merey, 2012).

ج) احترام به تمامیت

از نظر این کنوانسیون باید نظم و انضباط مدرسه به شیوه‌ای برقرار شود که سازگار با حفظ کرامت کودک باشد. کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌کند که تنبیه، ناقض حقوق کودک و باعث محرومیت کودکان از حقوق مربوط به تمامیتشان است. یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب می‌شود کودکان مدرسه را ترک کنند، اعمال خشونت در مدرسه است. علاوه بر این، می‌توان عوامل بسیاری را بیان کرد که منجر به استفاده از خشونت نسبت به کودکان در مدارس می‌شوند. این عوامل عبارتند از:

- پذیرش اجتماعی و حقوقی خشونت علیه کودکان؛
- عدم آموزش کافی معلمان و ضعف مدیریت آن‌ها در اداره رده‌های درسی؛
- فقدان دانش سودمند مرتبط با نظم و انضباط مثبت و چگونگی حمایت و ارتقای آن؛

- عدم درک اثرات مضر تنبیه بدنی؛
 - عدم شناخت تفاوت کودکان در یادگیری و فقدان شناخت تفاوت‌های کودکان در توسعه خود و توانایی‌های خود.
- باید تمام موانع برطرف شده و حقوق بشر و احترام به کودکان در تمام محیط‌های آموزشی اجرا شود (امیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ Batur Musaoglu, E. & Haktanir, 2012; Merey, 2012).

با توجه به اهمیت کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی در جریان اجتماعی کردن افراد و نقش آن‌ها در ایجاد هویت صحیح در کودکان، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی میزان نقش کتاب‌های درسی دوره ابتدایی (کتاب‌های مطالعات اجتماعی و فارسی) در توسعه حقوق کودک و مؤلفه‌های آن‌ها و تقویت دید مثبت

دانش آموزان نسبت به حقوق کودک است.

پیشینه پژوهش

یاری قلی، حسینی و صیادی (۱۳۹۶) ضمن «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از منظر توجه به دیگری» بیان کردند که توجه به مؤلفه‌های دیگری و پراکندگی این مؤلفه‌ها در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به صورت مکفی، متوازن و یکسان صورت نگرفته و تحلیل محتوا بر اساس اصول علمی تنظیم نشده است. امیری، قائدی، ضرغامی و حاجی حسین‌نژاد (۱۳۹۵) با «بررسی چارچوب مفهومی حقوق تربیتی کودک» سه دسته حقوق را به عنوان حقوق تربیتی کودک معرفی کردند: حق دسترسی به آموزش و پرورش؛ حق برخورداری از آموزش و پرورش با کیفیت و احترام به حقوق انسانی در آموزش و پرورش.

قائدی، خوشنویسان و چهار باشلو (۱۳۹۳) با «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان دوره آموزش ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های حقوق کودک» نشان دادند بیشترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حق زیست و رشد با ضریب ۰/۱۳۸ و کمترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه رعایت منافع کودکان با ضریب صفر است. همچنین نتایج برحسب پایه‌ها نشان داد بیشترین ضریب اهمیت مربوط به پایه چهارم با ضریب ۰/۱۵۳ و کمترین ضریب اهمیت مربوط به پایه ششم با ضریب ۰/۰۵۱ است که در کل نتیجه گرفته شد که در تنظیم محتوای این کتاب‌ها این اصول رعایت نشده است.

از زمان مطرح شدن پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با موضوع حقوق کودک و آموزش و پرورش انجام شده است. با مرور پژوهش‌های صورت گرفته، آن‌ها در قالب سه مقوله سیاست‌گذاری، جامعه‌شناختی و تربیتی خلاصه می‌شوند (قائدی و همکاران، ۱۳۹۳).

مقوله سیاست‌گذارانه پژوهش در قالب پژوهش‌هایی درباره معنا و مفهوم قانونی حقوق کودک (فریمن^۱، ۲۰۰۲؛ بنتلی^۲، ۲۰۰۵)، اعطای حق و حقوق به

1. Freeman

2. Bentley

کودکان (فریمن، ۲۰۰۵؛ بتلی، ۲۰۰۷)، چالش‌ها و تنگناهای اجرای پژوهش در ارتباط با حقوق کودک (هاگلند و تلندر^۱، ۲۰۱۱)، تفسیرها و تعبیرهای گوناگون از حقوق کودکان در سطوح ملی و بین‌المللی (همان)، نظریه‌ها و حقوق کودکان (فریمن، ۲۰۰۲) و چگونگی تبلور حقوق کودک در اسناد و خط‌مشی‌های آموزشی خلاصه می‌شود (تی وان و داللی^۲، ۲۰۱۰).

در مقوله جامعه‌شناسانه: ساختار مدرسه و توزیع قدرت و مشارکت دانش‌آموزان در مدرسه (جنکز^۳، ۱۹۸۲؛ جیمز و پروت^۴، ۱۹۹۰ به نقل از هاگلند و تلندر، ۲۰۱۱)، نظریه بازتولید اجتماعی (مایال^۵، ۲۰۰۰)، حقوق کودک، شهروندی و مشارکت (توماس^۶، ۲۰۰۷) و دموکراسی و صلح (آلموگ و بندور^۷، ۲۰۰۴) مطرح هستند.

در مقوله تربیتی: دانش و ادراک دانش‌آموزان از حقوق کودک (هیرت^۸، ۱۹۹۲؛ اسمیت^۹، ۲۰۰۷)، میزان آگاهی معلمان و مدیران از حقوق کودک (دبیری، ۱۳۸۹؛ اوزمان و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۰)، مشارکت دانش‌آموزان و بهبود یادگیری (هاور و کوول^{۱۱}، ۲۰۰۰)، حقوق کودک و روابط و رفتار مدیران، معلمان و دانش‌آموزان در مدرسه (اسمیت، ۲۰۰۷)، تفاوت‌های جنسیتی (اوزمان و یالکین، ۲۰۱۰)، آگاهی دانش‌آموزان از حقوق کودک (اسمیت، ۲۰۰۷؛ تی وان و داللی، ۲۰۱۰)، فضای مدرسه (کاسابری و آریه^{۱۲}، ۲۰۰۹، به نقل از اوزمان و همکاران،

-
1. Hoagland and Tlndr
 2. Te one and Dalli
 3. Jencks
 4. James and Proto
 5. Mayall
 6. Thomas
 7. Almog and Bendor
 8. Hart
 9. Smith
 10. Ozman
 11. Howe and Covell
 12. Kassabri and Arieih

(۲۰۱۰)، حقوق اجتماعی و سیاسی کودک و کتاب‌های درسی (کپینسکی^۱، ۲۰۱۲) مطرح هستند.

مری^۲ (۲۰۱۲) حقوق کودکان در برنامه‌های مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی را به صورت تطبیقی مطالعه کرد. وی مقادیر مشارکت در مسائل حقوق کودکان در برنامه‌های درسی اجتماعی ترکیه و آمریکا را مقایسه کرد و بیان نمود برنامه‌های درسی اجتماعی ترکیه بیشتر به مؤلفه حق مشارکت اشاره کرده است، درحالی‌که مؤلفه حق توسعه بیشترین جایگاه را در مطالعات اجتماعی ایالات متحده به دست آورد. علاوه بر این برنامه‌های درسی و مطالعات اجتماعی کشورها هیچ‌کدام حفاظت از حقوق کودکان را دربر نمی‌گیرند.

بوتر موسا اوغلو و حق تانیر^۳ (۲۰۱۲) برنامه پیش‌دبستانی برای کودکان ۷۲-۳۶ ماهه در سال ۲۰۰۶ را با توجه به حقوق کودکان در ترکیه بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد که حقوق توسعه و مشارکت در برنامه بیشتر است و بخشی از حقوق توسعه مربوط به حق آموزش عمومی خوب است.

ادبیات مربوط به میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق کودک در کتاب‌های درسی بسیار ضعیف است و تاکنون هیچ پژوهشی؛ همه مؤلفه‌های حقوق کودک را بررسی نکرده است. یافته‌های پژوهش حاضر در غنی‌سازی پژوهش تربیتی در زمینه حقوق کودک می‌کوشد و یافته‌های تحقیق به بالابردن آگاهی و توجه برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی برای اتخاذ تصمیمات بهتر و مقتضی‌تر در زمینه حقوق کودک کمک شایانی می‌کند. لذا هدف پژوهش، بررسی مؤلفه‌های حقوق کودک در محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و فارسی دوره آموزش ابتدایی ایران است.

روش پژوهش

پژوهش به روش تحلیل محتوا صورت گرفت. مؤلفه‌های مورد بررسی در جدول

-
1. Kepinski
 2. Mary
 3. Batur Musaoglu and Haktanir

۱ نشان داده شده‌اند (مؤلفه‌های پژوهش بر مبنای تحقیق امیری و همکاران در سال ۱۳۹۵ که چارچوب مفهومی حقوق تربیتی کودک را بررسی کردند، به دست آمدند).

جدول ۱. انتخاب شاخص‌های پژوهش بر مبنای پژوهش امیری و همکاران (۱۳۹۵)

مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک	مفاهیم مرکزی مؤلفه‌ها
حق دسترسی به آموزش و پرورش	آموزش و پرورش در تمام مراحل دوران کودکی و بعد از آن، فراهم‌بودن و در دسترس بودن آموزش و پرورش، برابری فرصت‌ها
حق برخورداری از آموزش و پرورش با کیفیت	برنامه درسی وسیع، مرتبط و فراگیر، یادگیری و ارزیابی مبتنی بر حقوق بشر، محیط کودک دوست، امن و سالم
احترام به حقوق انسانی در آموزش و پرورش	احترام به هویت، احترام به حقوق مشارکت و احترام به تمامیت کودک

جامعه آماری، کتاب‌های درسی پایه‌های سوم تا ششم مقطع ابتدایی بودند (به دلیل اینکه میزان اشاره به مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک در این پایه‌ها با توجه به درک و یادگیری دانش آموزان بیشتر است). نمونه‌گیری به شیوه هدفمند صورت گرفت و کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی و فارسی انتخاب شدند. مفهوم «حقوق تربیتی کودک» در قالب سه مؤلفه که شامل حق دسترسی به آموزش و پرورش، حق برخورداری از آموزش و پرورش با کیفیت و احترام به حقوق انسانی در آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفتند. این مؤلفه‌ها بر مبنای حقوق کودک که شامل حقوق مدنی و سیاسی، حقوق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مهم‌تر از همه حقوق تربیتی کودک است، استخراج و مورد بررسی قرار گرفتند.

ابزار گردآوری داده‌ها چک‌لیست تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی و فارسی بوده است که بر اساس ۳ مؤلفه و ۳۰ شاخص حقوق کودکان ساخته شده است. چک‌لیست مذکور دو قسمت شامل مؤلفه و شاخص‌های حقوق کودک در کتاب‌های درسی و بخش دوم با عنوان میزان توجه کتاب (فراوانی) به مؤلفه و شاخص‌های مذکور بوده است. واحد تحلیل این پژوهش صفحه (متن، پرسش‌ها، تمرین‌ها و تصاویر) است.

برای تعیین اعتبار ابزار از نوع پایایی، از تکنیک اجرای مجدد استفاده شد (دلاور، ۱۳۸۳)، بدین صورت که فرم نهایی تهیه شده هم‌زمان و مجزا در اختیار

تحلیل گر و متخصص محتوای دیگری نیز قرار داده شد که چند واحد درسی از برخی کتاب‌ها را تحلیل کند. پژوهشگران اصلی و متخصص مذکور ضریب همبستگی داده‌های حاصل از تحلیل‌های انجام‌شده را برحسب آزمون تحلیل عاملی اکتشافی، هم‌زمان محاسبه کردند که نتیجه مبین ضریب همبستگی ۰/۸۷ بود.

جهت تحلیل نتایج تحلیل محتوا از آزمون آنتروپی شانون^(۱) که برگرفته از نظریه سیستم‌هاست، استفاده شد (آذر، ۱۳۸۰، به نقل از قائدی و همکاران، ۱۳۹۳). محتوای کتاب‌های درسی بررسی شده از نقطه نظر چهار پاسخگو (پایه‌های سوم تا ششم دوره ابتدایی) و سه مؤلفه تحلیل شدند.

به منظور توصیف داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی شامل جدول توزیع فراوانی و درصد استفاده شد. برای تحلیل محتوا و پردازش و تحلیل نتایج کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی و فارسی مقطع ابتدایی از روش آنتروپی شانون برای سه مؤلفه حقوق تربیتی کودک استفاده شد که شامل مراحل زیر است (یاری‌قلی و همکاران، ۱۳۹۶):

● **مرحله اول:** داده‌های جدول ماتریس باید به‌نچار شوند که برای این منظور از فرمول زیر استفاده شد.

$$(P_{ij}) = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}}$$

● **مرحله دوم:** در این مرحله بار اطلاعاتی مربوط به هر کتاب درسی را به همراه مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک محاسبه کرده، برای این منظور از فرمول زیر استفاده می‌کنیم.

$$(j) = [1, 2, \dots, n] K = \frac{1}{l_n m} E_j = -K \sum_{i=1}^m [P_{ij} \times l_n P_{ij}]$$

● **مرحله سوم:** با استفاده از بار اطلاعاتی به‌دست‌آمده ضریب اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها در کتاب‌های درسی را به‌طور جداگانه محاسبه کرده و هر مؤلفه‌ای که دارای بار اطلاعاتی بیشتر باشد از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است که برای محاسبه ضریب اهمیت از فرمول زیر استفاده شده است.

$$(W_j) = \frac{E_j}{\sum_{i=1}^n E_j}$$

یافته‌های پژوهش

● سؤال اول: در کتاب‌های مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی تا چه میزان به مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک (حق دسترسی به آموزش و پرورش، آموزش و پرورش با کیفیت و حق احترام به حقوق کودک در محیط یادگیری) اشاره شده است؟

جدول ۲. توزیع فراوانی مؤلفه‌های تحقیق در کتاب مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی

مؤلفه کتاب	حق دسترسی به آموزش و پرورش	حق احترام در محیط یادگیری	آموزش و پرورش با کیفیت	مجموع
سوم	۱۰	۳	۸	۲۱
چهارم	۷	۶	۶	۱۹
پنجم	۹	۶	۷	۲۲
ششم	۲	۱۱	۳	۱۶
جمع	۲۸	۲۶	۲۴	۷۸
درصد فراوانی	۳۵/۸۹	۳۳/۳۵	۳۰/۷۶	۱۰۰

جدول ۲ نشان می‌دهد که مجموع فراوانی مربوط به کتاب مطالعات اجتماعی (شامل متن، تصویر، پرسش‌ها) در مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک ۷۸ مورد است که بیشترین میزان آن مربوط به مؤلفه حق دسترسی به آموزش و پرورش با ۲۸ مورد (۳۵ درصد) بوده است و کمترین میزان توجه در کتاب مطالعات اجتماعی مربوط به مؤلفه آموزش و پرورش با کیفیت با ۲۴ مورد (۳۰ درصد) بوده است.

جدول ۳. بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک در کتاب مطالعات اجتماعی مقطع

ابتدایی

کتاب مطالعات اجتماعی	حق دسترسی به آموزش و پرورش	حق احترام در محیط یادگیری
بار اطلاعاتی	۰/۳۲	۰/۱۸
ضریب اهمیت	۰/۶۰۵	۰/۳۵۳

بر اساس جدول ۳، ضرایب اهمیت به دست آمده از فراوانی‌ها، ضریب اهمیت مؤلفه حق دسترسی به آموزش و پرورش در کتاب مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی ۶۰۵ و مؤلفه آموزش و پرورش با کیفیت ۴۲۷ و مؤلفه حق احترام در محیط

یادگیری ۳۵۳ است که نشان می‌دهد مؤلفه حق دسترسی به آموزش و پرورش دارای بیشترین ضریب اهمیت در کتاب مطالعات اجتماعی است.

● سؤال دوم: در کتاب‌های فارسی (بخوانیم) مقطع ابتدایی تا چه میزان به مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک (حق دسترسی به آموزش و پرورش، آموزش و پرورش باکیفیت و حق احترام به حقوق کودک در محیط یادگیری) اشاره شده است؟

جدول ۴. توزیع فراوانی مؤلفه‌های تحقیق در کتاب فارسی (بخوانیم) مقطع ابتدایی

مؤلفه کتاب	حق دسترسی به آموزش و پرورش	آموزش و پرورش باکیفیت	حق احترام در محیط یادگیری	مجموع
اول	۴	۳	۱	۷
دوم	۱	۱	۲	۴
سوم	۲	۳	۲	۷
چهارم	۳	۳	۱	۷
پنجم	۱	۰	۱	۲
ششم	۰	۰	۳	۳
مجموع	۱۱	۱۰	۱۰	۳۱
درصد فراوانی	۳۵/۴۸	۳۲/۲۶	۳۲/۲۶	۱۰۰

جدول ۴ نشان می‌دهد که مجموع فراوانی مربوط به کتاب فارسی (بخوانیم) شامل (متن، تصویر، پرسش‌ها) در مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک ۳۱ مورد است که بیشترین میزان آن مربوط به مؤلفه حق دسترسی به آموزش و پرورش با ۱۱ مورد (۳۵ درصد) بوده است و مؤلفه‌های آموزش و پرورش باکیفیت و مؤلفه حق احترام در محیط یادگیری هر دو دارای فراوانی یکسان ۱۰ مورد (۳۲ درصد) می‌باشند.

جدول ۵. بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک در کتاب فارسی (بخوانیم) مقطع ابتدایی

کتاب فارسی (بخوانیم)	حق دسترسی به آموزش و پرورش	آموزش و پرورش باکیفیت	حق احترام در محیط یادگیری
بار اطلاعاتی	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۱۶
ضریب اهمیت	۰/۷۱۲	۰/۵۹۲	۰/۵۳۳

بر اساس جدول ۵ ضرایب اهمیت به دست آمده از فراوانی‌ها، ضریب اهمیت مؤلفه حق دسترسی به آموزش و پرورش در کتاب فارسی (بخوانیم) مقطع ابتدایی ۷۱۲ و مؤلفه آموزش و پرورش باکیفیت ۵۹۲ و مؤلفه حق احترام در محیط

یادگیری ۵۳۳ است که نشان می‌دهد مؤلفه حق دسترسی به آموزش و پرورش دارای بیشترین ضریب اهمیت در کتاب فارسی (بخوانیم) است.

نتیجه‌گیری

با توجه به هدف پژوهش، نتایج تحلیل محتوا نشان می‌دهد که در کتاب‌های مطالعات اجتماعی و فارسی (بخوانیم) به حقوق تربیتی کودک توجه کافی و متوازن نشده است.

همچنین می‌توان گفت که اصل مداومت در سازمان‌دهی محتوای برنامه‌های درسی کتاب‌های مطالعات اجتماعی رعایت نشده به طوری که در کتاب مطالعات اجتماعی به مؤلفه اول (حق دسترسی به آموزش و پرورش) از پایه‌های پایین‌تر به طرف پایه‌های بالاتر کمتر توجه شده است؛ یعنی محتوای برنامه درسی پایه ششم باید مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک را به مراتب بیشتر و عمیق‌تر انعکاس دهد و یافته‌های تحقیق بیان‌گر رعایت نکردن این اصل است. همچنین به مؤلفه حق احترام در محیط یادگیری در کتاب‌های مطالعات اجتماعی به دلیل اینکه هویت و شخصیت کودک و تمامیت آن در سنین پایین‌تر شکل می‌گیرد، در حالی که در پایه سوم کمتر توجه شده است و مؤلفه حق دسترسی به آموزش و پرورش دارای بیشترین ضریب ۰/۶۰۵ و مؤلفه حق احترام در محیط یادگیری کمترین ضریب اهمیت ۰/۳۵۳ است.

در کتاب‌های فارسی (بخوانیم) به هر سه مؤلفه در سطح خیلی کم اشاره شده است و همچنین اصل مداومت سازمان‌دهی محتوا در پایه‌ها رعایت نشده است. به عبارتی دیگر محتوای برنامه‌های درسی در پایه ششم از عمق و گستردگی کافی در مورد مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک را دارا نیست و فراوانی مؤلفه‌های اول و دوم در کتاب‌های فارسی صفر است. می‌توان گفت که به مؤلفه‌های ذکر شده اصلاً توجه نشده است. بیشترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حق دسترسی به آموزش و پرورش با ضریب ۰/۷۱۲ و مؤلفه‌های دوم و سوم هم تقریباً از ضرایب یکسان به ترتیب ۰/۵۹۲ و ۰/۵۳۳ می‌باشند.

نتایج تحلیل محتوا نشان می‌دهد که در کتاب‌های مطالعات اجتماعی و

فارسی به مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک کمتر توجه شده است، لذا آموزش و پرورش باید تلاش کند تا کودکان با حقوق خود در محیط آموزش از طریق احترام به تمامیت کودک و احترام به اقلیت‌های قومی و فرهنگی، زبان هر قومیت و آزادی بیان و تفاوت‌های فردی آن‌ها آشنا شوند و همچنین برنامه‌های درسی گسترده و وسیع مرتبط با نیازهای کودک و فعال‌بودن آن‌ها در محیط یادگیری و احترام به مشارکت آن‌ها در مدرسه و آموزش و پرورش عمومی و یکسان و برابری آموزش توجه شود.

با توجه به ادبیات بررسی شده برای مقایسه با یافته‌های حاضر، فقط دو پژوهش مرتبط وجود دارد. یافته‌های به دست آمده با پژوهش قائدی و همکاران (۱۳۹۳) مبنی بر نداشتن توجه جامع و هماهنگ به مؤلفه‌های حق مشارکت و آزادی و حق بهره‌مندی از آموزش در کتاب‌های مطالعات اجتماعی همخوان است و یافته‌های به دست آمده با پژوهش یارقلی و همکاران (۱۳۹۶) مبنی بر تفاوت داشتن در موضوع مورد بررسی و مؤلفه‌های آن در کتاب‌های مورد مطالعه ناهمخوان است. همچنین نتایج حاصل با نتایج امیری و همکاران (۱۳۹۵) به لحاظ بررسی حقوق تربیتی کودک همخوانی داشته، اما به لحاظ محل بررسی حقوق تربیتی کودک ناهمخوان است؛ زیرا پژوهش در کتاب‌های درسی این حقوق را بررسی نموده است ولی امیری و همکاران در کنوانسیون‌های حقوقی، این حقوق را بررسی کردند.

حقوق کودک شامل حقوق مدنی و سیاسی، حقوق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مهم‌تر از همه حقوق تربیتی کودک است. باید آموزش و پرورش کشورمان که مبنای تعلیم و تربیت آن مبانی دینی و قرآنی است، با استفاده از تعالیم انسانی قرآن، مؤلفه‌های حقوق تربیتی کودک را برای کودکان معرفی نماید و باعث شود که کودکان از دوران ابتدایی با این موارد آشنا شده و در تمام عرصه‌های علمی و زندگی خود به کارگیرند و بر مبنای این مؤلفه‌ها زندگی و آینده خویش را بسازند و باعث نشر مؤلفه‌های تربیتی در کل جامعه شوند.

حقوق کودک باید از طرف سیستم آموزشی از لحظه ورود کودکان به مدرسه

تا لحظه اتمام دوران مدرسه و وارد شدن به تحصیلات دانشگاهی به آن‌ها گوشزد شود و تمامی تعالیم درسی بر پایه این مؤلفه‌ها شکل گیرند و باعث تربیت دانش‌آموزانی آگاه به اصول تربیتی شوند. دولت و مسئولان کشوری باید بر اساس قانون اساسی^(۳) که برگرفته از تعالیم انسان‌ساز اسلام و قرآن است، باید باعث آزادی در زمینه حق دسترسی به آموزش و پرورش در تمام نقاط کشور شوند؛ همچنین باعث حق برخورداری از آموزش و پرورش با کیفیت در جای‌جای ایران شوند و باعث تربیت نسلی متعهد و متخصص شوند؛ و هم اینکه باعث ترویج احترام به حقوق انسانی در آموزش و پرورش گردند و جامعه‌ای به‌دوراز خشونت را تربیت نمایند و باعث ترویج هرچه بیشتر احترام بین فردی در بین دانش‌آموزان، خانواده آن‌ها و جامعه شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. آنتروپی در تئوری اطلاعات شاخصی است برای اندازه‌گیری عدم اطمینان که از طریق توزیع احتمال بیان می‌شود. بر اساس این روش که به مدل جبرانی مشهور است.
۲. بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.

منابع

- آذر، عادل (۱۳۸۰). «بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوی»، *علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)*، شماره ۳۸-۳۷.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۱). «نقدی بر کنوانسیون حقوق کودک»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۶.
- امیری، معصومه، یحیی قائدی، سعید ضرغامی و غلامرضا حاجی حسین‌نژاد (۱۳۹۵). «بررسی چارچوب مفهومی حقوق تربیتی کودک»، *ارزش‌شناسی در آموزش*، سال اول، شماره ۲، ۴۶-۳۱.
- باقری، خسرو، نرگس سجادیه و طیبه توسلی (۱۳۸۹). *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹). مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر ۱۹۸۹ میلادی.
- حبیبی، تهمینه (۱۳۸۹). «نقد فقهی بر کنوانسیون حقوق کودک»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۶.
- خدایار، ابراهیم و اعظم فتحی (۱۳۸۷). «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش (مورد مطالعه: دوره متوسطه)»، *مطالعات ملی*، سال نهم، شماره ۳، ۵۲-۲۷.
- دبیری، عذرا (۱۳۸۹). «بررسی میزان آگاهی مدیران آینده مدارس کشور از حقوق کودکان»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، سال ششم، شماره ۲، ۱۵۴-۱۲۷.
- دلاور، علی (۱۳۸۳). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران:

رشد.

زینالی، حمزه، (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن اصل حمایت ویژه از کودکان»، *رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۵، ۵۱-۸۷.

قائدی، یحیی، حسین چهار باشلو و فاطمه خوشنویسان (۱۳۹۳). «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و هدیه‌های آسمان دوره آموزش ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های حقوق کودک، تفکر و کودک، سال پنجم، شماره ۱، ۸۱-۱۰۴»
قاسم‌زاده، فاطمه (۱۳۸۱). «سمینار کودکان با نیازهای ویژه؛ گزارش سفر مطالعاتی به سوئد»، *رفاه اجتماعی*، سال دوم، شماره ۵، ۳۵۶-۳۵۱.

قاضی، قاسم (۱۳۶۹). «حقوق کودکان در ایران و جهان»، *روانشناسی و علوم تربیتی*، شماره ۱۱۲۵.

گال، مردیت‌دامین، والتر بورگ و جوئیس گال (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران: سمت.
ملکی، حسن (۱۳۸۶). *برنامه‌ریزی درسی*، مشهد: پیام اندیشه.

نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۰). «گفتمان «پیمان حقوق کودک» در زمینه پیشگیری از بزهکاری»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال سوم، شماره ۲، ۱۸۷-۲۰۴.

یاری‌قلی، بهبود، سیداحمد حسینی و صادق صیادی (۱۳۹۶). *تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از منظر توجه به دیگری، راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال ششم، شماره ۲۲.

Alderson, P. (2008). *Young children's rights: Exploring Beliefs*, Jessica Kingsley Publishers.

Archard, D. (2004). *Children, Rights and Childhood*, second Edition, Routledge.

Baur uu saoguu E. & kak narr, .. (2012). "Inviiii gaooa of OOEE Prhhhhoo Program for 36-72 Months Old Children (2006) According to Children Rgghss, *Educational Sciences: Theory and Practice*, Vol.12, No.4, 3285-3305.

Bzzzaby, J. (2011). "A yyyyy yayoo oon of Chdddn's Parppppppp Rgghss and sss Impooooooos for Educaooa,, Confrrnee Prnnnnooooo nn *Philosophy of Education Society of Australasia*.

Breen, C. (2006). "Age Discrimination and Children's Rights, (*Ensuring Equality and Acknowledging Difference*,, Marnns jjj hoff Pubssshrrs, Leide at p.12.

Fineman, M. & Worthington, K. (2009). *What is right for children?: The Competing Paradigms of religion and Human Rights*, Routledge

ooooee .. (2001). *Rvssnnng hdddn's rgghss 10 years of hh Convnooa*

- on the Rights of the Child, *Refugee Survey Quarterly*, Vol.20, No.2.
- Franklin, B. (Ed.). (2001). *The new handbook of children's rights: Comparative policy and practice*, Routledge.
- Freeman, M. (2002). *Human Rights*, Oxford: Polity Press.
- Hodgkin, R. Newell, P. & unicef. (1998). *Implementation Handbook for the Convention on the Rights of the Child*, New York. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.
- John, M. (2003). *Children's rights and power: Charging up for a new century*, Jessica Kingsley Publishers.
- Ma on, P. (1999). "Children's rights and education", *Prospects*, Vol.29, No.2, 181-190.
- Prengel, A. & Overwien, B. (1999). *Children and the Right to Education*, translated by Salome Hangartner.
- Smihh A. B. (2007). "Children and young people's participation rights in education", *The International Journal of Children's Rights*, Vol.15, No.1, 147-164.
- Smihh A. B. (2007). "Children's rights and Early Childhood Education Links to Theory and Advocacy", *Australasian Journal of Early Childhood*,

Vol.32, No.3.

Tinn, & C. a (2010). "The uuuuu of Chdddnn's Rggss nn ary Chdddhood Educaoon Poyyy2009,, *New Zealand Annual Review of Education*, Vol.20, 1-35.

Thoma .. (2007). "Towards a Thoory of Chdddns arppppapp,, *International Journal of Children's Rights*, Vol.15, Vol.2, 199.

UNICEF. (2007). "A human rights-based approach to education for all: A framework for the realization of children's right to education and rights within education, United Nations Publications.

nn ddbaoos Educaooa. (2004). "nnnnmnn and Cuuuu gan a , EAA oooba oo nooonng Rppor 2005,, *The quality imperative*, UNESCO Publishing, Paris.

